

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

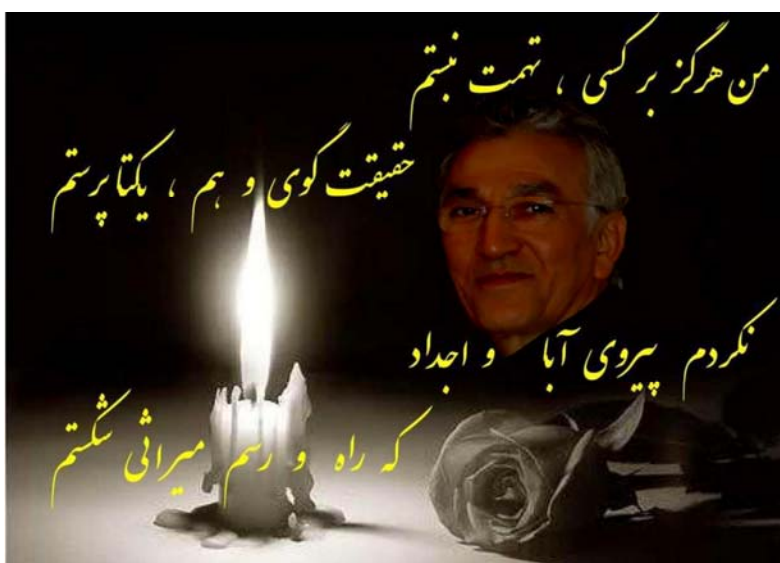
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۱۰ دسمبر ۲۰۱۸



چیلک انداز

الا رؤیا، عزیزِ چهره پرداز
نمی دانم که انسی، یا که چنی
گاهی ما را ادیت می نمائی
مه خو تارِ محبت می توانم
کبابی و شرابی و به ژوری
بخیلی می نکن، جانِ برادر
خوشا آندم که موشکش، دستِ نازی،
اگر با ساچمه پوچک کند فیر
ولاکن راکتِ اشعارِ «نعمت»
به تارِ ما چرائی چیلک انداز
خبر میگردی از هر سرّ و هر راز
گاهی هستی پیّ آزارِ شهنواز *
بُریدی ناگهان با تیغِ افراز
نه اسکار و نه القاب و نه فغیاز
وگرنه فیرِ راکت میشه آغاز
زبنده مرغ دل در حالِ پرواز
چه کارِ میکنی، رؤیا! بگو باز
نباشد جانبِ خوبانِ طنّاز

* جناب شایان در یکی از کمنت های شان محترمه نازی جان را شهنواز خطاب کرده بودند

چیسک انداز

الا رویا! عزیز چهره پرداز به تار ما چسپای چیسک انداز
نمیدانم که اینی، یا که جسنی خبر میگردی از هر ستر و هر راز
کمی ما را اذیت می نمایی کمی هستی پی آزار شهنشاز
مه خو تار محبت می دواندم بریدی ناکهسان باتنج افسراز
کسبایی و شرابی و به ثوری نه اسکار و نه القاب و نه فعیاز
بخشیلی می کنن، جان برادر و گرنه فیسر راکت یشه آعزاز
خوشا آندم که موشکش، دست نازی، ز بنده مرغ دل درحال پرواز
اگر با سچسء پوچک کند فیر چه کار میکنی، رویا! بگو باز
ولاکن راکت اشعار «نعمت» نباشد جانب خوبان طنز